نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیستم، شماره ۵۷، تابستان ۹۹

تبیین نقش ژئوپلیتیکی شهر

دریافت مقاله: ۹۶/۳/۲۰ **پذیرش نهایی**: ۹۶/۹/۲۵

صفحات: ۱۱۱-۹۱

حسن کامران دستجردی: دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران ایران[1].
Email: hkamran@ut.ac.ir
مرجان بدیعی ازنداهی: استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران ایران.
Email: mbadiee@ut.ac.ir
یاشار ذکی: استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران ایران.
Email: yzaki@ut.ac.ir
سید عباس احمدی: استادیار جغرافیای سیاسی داشگاه تهران، تهران ایران.
Email: abbbas_ahmadi@uut.ac.ir
نرجس سادات حسینی نصرابادی: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران ایران.
Email: narjessadat65@gmail.com

چکیده

در جهان امروز، فرآیند جهانی شدن و نوآوری های ارتباطی و اطلاعاتی سبب شده تا «شهرها»؛ به بازیگران رقابت های ملی تا جهانی تبدیل گردند. هیچ نقطه شهری در جهان نمی تواند به حفظ جایگاه و نقش سنتی خود در سلسله مراتب شهری تکیه نماید، زیرا سایر نقاط شهری در ساختار شبکه ای با سایر شهرهای دیگر در رقابتند تا جایگاه خود را در شبکه ارتقاء داده و بر سایر رقبا خود غلبه کنند. در شهرهای معاصر، نیروها، کنشگران و بازیگران شهری با توجه به علایق و منافع مدرن و کاملاً حساس خود در حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی با نقش آفرینی متفاوتی روبرو هستند و به همین دلیل رقابت هایی از نوع مثبت یا منفی بین آنها پدید آمده یا در حال پدید آمدن است. با توجه به اهمیت این موضوع، جغرافیدانان سیاسی و ژئوپلیتیسین ها به مطالعه و بررسی فرآیند مهمی که در واقع، همان «ژئوپلیتیک شهری» است و در پی رقابت های شهری ایجاد شده و باتوجه به افزایش رقابت کنشگران شهری در حال رشد و پیشروی به جلو است، می پردازند. مقاله حاضر، با روش توصیفی- تحلیلی در صدد بیان این موضوع است که ژئوپلیتیک شهری؛ از سویی، شامل مجموعه ای از رقابت ها، ایده ها و برداشت هایی مشترک از جناح های سیاسی، فرقه های مذهبی و یا کانون های دیگر اجتماعی است که گروه های اجتماعی را به جنب و جوش واداشته و جهان بینی آنها را جهت داده و سامان بخشیده و از سویی دیگر، نشان داد، چگونه این ایده ها و برداشت ها، زمینهٔ اتخاذ تصمیمات توسط شهروندان و وقوع رقابتها، تغییرات و تحولات و حتی گاهی اعتراض هایی را در محیط های شهری فراهم نمود و سپس با الهام گرفتن از شرایط ژئوپلیتیکی تغییر یافت. از این رو، نوعی ژئوپلیتیک در مقیاس شهری، شهرها را به بازیگران مهمی در سلسله مراتب فضایی تبدیل نمود. نتایج این تحقیق سعی بر تشریح و تبیین نقش ژئوپلیتیکی شهر، به عنوان یک پدیدهٔ چندبعدی با تأکید بر عناصر محوری «فضا»، «قدرت » و «رقابت» در حوزه های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی داشت.

کلید واژگان: شهر، فضا، ژئوپلیتیک، قدرت، رقابت.

---

۱. **نویسنده مسئول:** تهران، خیابان انقلاب، خیابان وصال، کوچه آذین، گروه جغرافیای سیاسی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

مقدمه

ما در عصری زندگی می کنیم که در آن فضاها، با جریان های فراگیر جهانی در هم آمیخته و سرعت، تراکم و فناوری اطلاعات تار و پود آن را تشکیل داده است و شرایط پست مدرنیته می رود تا نقشه های ذهنی از تصورات مرسوم ژئوپلیتیکی ما را در هم بریزد و مفهومی جدید، از ژئوپلیتیک را به ارمغان بیاورد(Tuathail and Dalby, 2003: 16). دامنه مطالعات ژئوپلیتیک (علم بررسی آثار و فرایندها و پدیده های جغرافیایی بر قدرت سیاسی) تا عصر حاضر غالباً بر مقیاس های کلان ملی و فراملی متمرکز بوده است، اما تحولات اواخر نیمه قرن بیستم موجب شکل گیری گرایش هایی در توجه به اثر گذاری پدیده ها و فرایندهای فضایی بر کارکرد درون سرزمینی قدرت سیاسی شده است. بنابراین، شهرها به عنوان بازیگران اقتصاد و سیاست جهانی و کانون تحولات در سطوح محلی تا جهانی، صحنه و هدف استراتژیک مهمی برای قدرت سیاسی شده اند. از این رو، بررسی آثار پدیده ها و فرایندهای فضایی شهری بر «قدرت سیاسی» در سطوح محلی تا جهانی اهمیت دارد. شهر؛ به عنوان یک پدیده جغرافیایی، نقش موثری در بازیهای قدرت دارد. با توجه به اینکه شهرها، مهمترین فضاهای زندگی عصر حاضر هستند، می تواند جدید ترین و مهمترین سطح فضایی تنش، کنش و رقابت را تشکیل دهند. بنابراین، مدیران شهری به سمت مطالعه و بررسی شهر، به عنوان بازیگر ژئوپلیتیکی می روند تا عوامل و ابزار رقابت را شناسایی کرده و با کشف بهترین روش ها، خود را پیروز میدان رقابت شهری کنند(کمانرودی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۴). ایجاد فضای رقابتی در جامعه و ارتقای سطح رقابت پذیری داخلی و بین المللی کلان شهرها زمینه های لازم برای مطالعه و بررسی ژئوپلیتیکی آن ها را فراهم می آورد. اداره شهر، به عنوان یک فضای ژئوپلیتیکی، نیازمند الزامات مختلفی در حوزه های اداری، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ..... است. یکی از مهمترین این نوع الزامات که تاکنون کمتر مورد توجه بوده است؛ بحث شرایط و مختصات جغرافیایی قدرت و رقابت مکان های شهری است. در ژئوپلیتیک شهر، ویژگیها و شاخصه های ژئوپلیتیک موثر در مدیریت شهر، مورد نظر بود. این شاخصه‌ها می‌توانند کارکرد دوگانه داشته باشند. یعنی هم می توانند برای اداره شهر فرصت آفرین باشند و هم چالش زا. به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک شهر؛ جنبه کاربردی و عینی آن بخشی از دانش جغرافیایی است که عناصر محیط طبیعی و انسانی دخیل در نظام اداری شهری را مورد بررسی قرار می دهد.

درنتیجه، «شهرها» و به خصوص «کلان شهرها» کانون تمرکز جمعیت و فعالیت هستند به همین دلیل علاوه بر فراهم نمودن فرصت های متعدد برای توسعه، چالش بزرگی نیز در سطوح خرد تا کلان محسوب می شوند و موجبات رقابت و کنش را فراهم می آورند. به عبارتی، رقابت میان مناطق شهری را می توان مبارزه ژئوپلیتیکی قلمداد کرد(هاروری، ۱۳۸۷: ۲۳۸). در واقع، شهر، می تواند پیشرفته ترین شکل زندگی دسته جمعی امروزی و آگاهانه ترین شکل یک خشونت دسته جمعی محسوب شود(Berman, 1996: 175) . به طور کلی، ناآرامی های شهری یکی از وجوه مهم در مطالعات مرتبط با ژئوپلیتیک شهری است(Mark Purcell,2003:4). با توجه به مطالب گفته شده، مفهوم «قدرت» در کانون مطالعات ژئوپلیتیک شهر قرار دارد و« رقابت پذیری» در همه سطوح، کیفیتی است که از طریق شکل گیری فعالیتها بر پایه مزیتهای نسبی ایجاد می شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

روش تحقیق

این پژوهش، از نوع بنیادین و نظری است و روش جمع آوری داده ها در این پژوهش اسنادی و کتابخانه ای و شیوۀ تحلیل اطلاعات نیز توصیفی – تحلیلی مبتنی بر روش شناسی کیفی می باشد. در این راستا، و برای دستیابی به یک نتیجه درست و شفاف در این پژوهش مبتنی بر استنتاج عقلانی کوشش گردیده به تبیین نقش ژئوپلیتیک شهر پرداخته شود. بنابراین، با به کارگیری متغیرهای اصلی مانند پدیدۀ شهر، ژئوپلیتیک و سیاست سعی بر آن است که به یک نتیجه قابل تعمیم برسیم.

مبانی نظری پژوهش

۱-ژئوپلیتیک: اصطلاح «ژئوپلیتیک »به عنوان واژه ای پر ابهام برای نخستین بار توسط دانشمند سوئدی «رادلف کیلن[۲]» در سال ۱۸۹۹ و به مفهوم «دانش تحلیل روابط جغرافیا و سیاست »گام به عرصه مطالعات جغرافیای سیاسی معاصر نهاد.(Dodds & Atkinson, 2000: 3).

اتوتایل[۳]معتقد است که «ژئوپلیتیک »پیش از آن که به عنوان توصیف شفاف از نقشه سیاسی جهان تعریف شود، به عنوان یک گفتمان درباره جغرافیا و سیاست های بین المللی بحث می کند(اتوتایل، ۱۳۸۰: ۲۶). لاکوست و ژیبلین[۴]،«ژئوپلیتیک» را نوعی بینش علمی می دانند که به مطالعه تقابل ارضی قدرتها و بازتابهای آن در افکار عمومی جامعه می پردازد(لاکوست و ژیبلین، ۱۳۷۸: ۸۵). در واقع، می توان گفت: «ژئوپلیتیک» هنر و فرایند رقابت است. ژئوپلیتیک در معنای لغوی خود یعنی سیاست زمین(عزتی، ۱۳۷۷: ۱). عزتی، ژئوپلیتیک را درک واقعیت های محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت باب ورود به بازی جهانی در بالاترین سطح در جهت حفظ منافع و حیات ملی دانسته است(عزتی، ۱۳۸۰: ۷۰). مجتهد زاده، با مکمل دانستن «ژئوپلیتیک »و«سیاست جغرافیایی»آن را علم مطالعه اثر محیط و اشکال یا پدیده های محیطی بر تصمیم گیری های سیاسی، بویژه در سطوح منطقه ای و سیاسی می داند(مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۱۲۸). میرحیدر، «ژئوپلیتیک» را شیوه قرائت و نگارش سیاست بین الملل توسط صاحبان قدرت و تاثیر آن بر تصمیم گیری های سیاسی در سطح ملی و منطقه ای می داند(میرحیدر، ۱۳۷۷: ۲۲). حافظ نیا، «ژئوپلیتیک» را علم مطالعه روابط متقابل «جغرافیا، قدرت و سیاست» و کنش های ناشی از ترکیب آن ها با یکدیگر می داند(حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷).

به طور کلی، می توان گفت: «ژئوپلیتیک، هنر بکارگیری سیاست؛ در تدوین و اجرا در سطوح مختلف فضایی رقابت، برای افزایش قدرت و حفظ منافع است.»

۲-شهر: «شهر»؛ سکونتگاهی، نسبتاً بزرگ و دائمی است. سازمان ملل متحد، در سال ۱۳۶۷ خورشیدی، شهر را چنین، تعریف می‌کند؛ شهر، مکانی با تراکم بالای جمعیت و مرکزیت سیاسی، اداری و تاریخی است که در آن، فعالیت اصلی مردم، غیر کشاورزی است و دارای مختصات شهری بوده که از طریق دولتی محلی، اداره می‌شود. شاخصهای تفکیک شهر از روستا، عبارت است از:

2 - Rudolf Kjellen
3 -Otuathail
4 - Lacoste & Giblin

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

۱. وسعت
۲. وضعیت و نوع فعالیت اقتصادی
۳. درجه اشتغال و قشربندی اجتماعی
۴. درجه پیچیدگی روابط و مناسبات
۵. میزان و ترکیب جمعیت
۶. چگونگی بهره‌گیری از نهادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی.

شهر، مطالعه کنش‌های اجتماعی است و مکان این کنش‌ها در ابعاد گوناگون و برای گروه‌های اجتماعی گوناگون است(وبر، ۱۳۷۰: ۵۵). به عبارتی شهر را می‌توان بستر مطالعه پدیده ها دانست(ربانی، ۱۳۸۵: ۶). شهر بخشی از یک کشور و جزیره‌ای درون آن است. شهرها دارای جغرافیای سیاسی مخصوص به خود هستند و در جهانی که روز به روز به فنّاوری اطلاعات وابسته‌تر می‌شود، می‌توان جهان آینده را جهانی تصوّر کرد که در آن شهرها به ویژه شهرهای جهانیِ سرشار از اطلاعات به چنان گفتگو و رقابتی خواهند پرداخت که برای مناطق فاقد اطلاعات اطراف آنها، ناشناخته است (مویر، ۱۳۷۹ : ۲۳۹). شهر آخرین مرحله گسترش محیط زیست اولیه انسان شمرده می شود(مجتهد زاده، ۱۳۹۲: ۶۰). شهرها از نظر اهمیت و رتبه بندی در جهان دارای مراحل و انواع مختلفی هستند.که در شکل(۱) به آن اشاره شده است:

شکل(۱). انواع و مراحل تکامل شهر،

از دو جنبه می توان به انواع شهرها پرداخت. ۱- کارکرد. ۲- مقیاس

۱-بعد کارکردی یا نقش و فعالیت شهر: به عناون مثال شهر زیارتگاهی، شهر فرهنگی یا شهر سیاسی یا پایتخت و...

۲- بعد اندازه: در این مورد عامل جمعیت در اندازه شهر نقش مهمی دارد.

در شکل(۲) به انواع شهر بر حسب مقیاس و فضای کارکردی اشاره شده است:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

شکل(۲). انواع شهر از نظر اندازه و عملکرد فضایی

جغرافیدانان، شهر را محل تمرکز جمعیت، ابزار تولید، سرمایه، نیازها و احتیاجات و غیره می دانند که تقسیم کار اجتماعی نیز در آنجا صورت گرفته است و شهر را منظره‌ای مصنوعی از خیابانها، ساختمانها، دستگاهها و بناهایی می دانند که زندگی را امکان‌پذیر می‌سازد. بنابراین، شهر ترکیبی از عناصر مادی(مدنیت) و غیر مادی(اخلاقی)است که بخش دوم مهمتر است.(ربانی، ۱۳۸۷: ۱-۳).

۳-رقابت و رقابت پذیری: «رقابت »یک عمل اگاهانه جمعی یا فردی است که با برخورداری از کارکردهای سه گانه، ایجاد نظام اطلاع رسانی، خلاقیت و اکتشاف بهترینها و رفتار عاقلانه در مقیاس های گوناگون به لحاظ اجتماعی و فضایی رخ می دهد. رقابت یکی از فرایندهای مهم در محیط پویا و رقابتی دنیای امروز است. تغییرات سریع و مستمر و در نتیجه ایجاد رقابت شدید در زمینه های گوناگون یکی از ویژگی های مهم دنیای امروز است(Shurchuluu, 2002: 408-410).

ازآنجا که«رقابت پذیری» زمینه ساز موفقیت را فراهم می سازد، در سالهای اخیر مورد توجه بسیاری قرار گرفته است.امروزه موضوع رقابت پذیری و چگونگی بهبود و ارتقای آن بحث اساسی مجامع و نشست های جهانی است(رحمان سرشت، ۱۳۹۰: ۷۶). بیش از سه دهه است که رقابت پذیری در فضاهای متفاوتی نظیر بنگاه ها، شرکت‌ها، شهرها، مناطق و ملت ها مطرح شده است و این مفهوم در بررسی علل موفقیت یا ناکامی نهادهای فوق از اهمیت به سزایی برخوردار گردیده است. «رقابت پذیریِ شهری» در سطح حکومت های ملی و تعاملات جهانی به یک جزء حیاتی در رقابت پذیری اقتصاد ملی تبدیل شده است. بین رقابت پذیری شهری و ملی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

ارتباط معناداری وجود دارد. بر مبنای تحلیل ارائه شده می‌توان از شاخص رقابت پذیری شهری به عنوان یک راهنما برای متناسب ساختن سیاست‌های شهری بهره گرفت. رقابت و واژه هایی که از این مفهوم مشتق می شوند، مانند رقابت پذیری و یـا مزیـت رقـابتی، موضوع بسیاری از بحثهای پیرامون توسعه و سیاستگذاری می باشـد.(خدادادکاشی، ۱۳۸۸: ۲۷-۳۰).

یکی از مهمترین عناصر در ژئوپلیتیک امروز در سطوح فضایی خرد تا کلان رقابت است. به گونه ای که اگر رقابت و کشمکشی بین بازیگران مختلف نبود جوهرۀ ژئوپلیتیک تشکیل نمی شد. برخی جغرافیدانان مانند مالمبرگ[5] معتقدند: کشورها (شهرها) باید برای رسیدن به منابع، موقعیت های استراتژیک و یا فضاهای حیاتی بایکدیگر وارد رقابت(جنگ)شوند وگروهی مانند تیلور [6]و اسولیوان[7] معتقدند ژئوپلیتیک عبارت است از تحلیل فضایی مناسبات و ساختار قدرت و رقابت جهانی. در واقع، رقابت اقتصادی، به رقابت سیاسی میان حکومت ها منتهی می شود و در طول زمان توازن های قدرت متعددی، بوجود می ایند(میرحیدر و میراحمدی، ۱۳۹۷: ۲۶۵). ساختار سه لایه مرکز، پیرامون و نیمه پیرامون[8](جونز و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۰-۲۱)به طور آشکار این رقابت و توزیع قدرت را بیان می کند. به طور کلی، بروز رقابتهای مکانی است که در مناطق و زمانهای مختلف خود را به اشکال گوناگون به نمایش می گذارد و یکی از این اشکال رقابت بر سر ارتقاء سطوح سیاسی شهرها و مناطق می باشد (کاویانی راد، ۱۰۲۶ :۲۲).

۴-قدرت: «قدرت»؛ عبارت است از توان رهبری و فرماندهی و همچنین ارائه شیوه های عملیاتی که انجام امور مهم را ممکن می کند(Stoker, 1996: 220) . جغرافی دانان سیاسی به بررسی شیوه تقسیم نابرابر قدرت و نیز به شیوه هایی که عوامل جغرافیایی بر میزان قدرت یک مکان تاثیر می گذارند، علاقه مندند. از نظر **مویر،**«قدرت »یعنی، هر چیزی که موجب سلطه انسانی بر انسان دیگر شده و آن را تداوم می‌بخشد(مویر، ۱۳۷۹: ۲۷۰). قدرت دارای سه بعد ضروری است:

۱- جمعیت، ۲-اقتصاد یا صنعت،۳-توان نظامی . قدرت نه تنها از لحاظ شدت و تمرکز فضایی تغییر می کند، بلکه در بعد زمانی نیز دارای افت و خیزهایی است. مفهوم چرخه های سلطه که در مورد «تمرکز جغرافیایی قدرت» توسط والراشتاین[9] و تیلور[10] در جغرافیای سیاسی بکارگرفته شده است. که طبق آن طبقه سلطه گر از لحاظ سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی بسیار قدرتمند است و بر سایر طبقات سلطه دارد. می تواند در بعد فضایی به سطح شهر کشیده شود و یک یا چند شهر نماد طبقه سلطه بر سایر شهرهای جهان باشند که قدرت را در دست دارند(مویر، ۱۳۷۹: ۲۷۷- ۲۷۴).

قدرت ماهیت ابزاری دارد و با ترکیب مؤلفه های مختلفی از جمله ارزشها و عناصر جغرافیایی تولید می شود و توسط بازیگران سیاسی برای حفظ سیادت و برتری و در عرصه های رقابت و ستیز با سایر بازیگران مورد

5 - Torston Malmberg
6 -Piter tylor
7 -Sloane
8 - Center, perimen and half perimeter
9 - Walrastein
10 - Taylor

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

استفاده قرار می گیرد. مکان ها و مناطق جغرافیایی مختلف، بر اساس موقعیت و مشخصات خود، ارزش های متفاوتی دارند. مجموعهٔ این ارزش ها که عمدتا متاثر از عوامل جغرافیایی هستند، به یک مکان یا منطقه قدرت می بخشند و مکان ها و مناطق هم معمولا از این قدرت در راستای توسعه حوزه نفوذ و اثر گذاری خویش استفاده می کنند. این موضوع همچنین به درک بهتر این مسئله که یک مکان تا چه اندازه قدرت دارد و چه کارکردها و نقش‌هایی را در زمینه مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌تواند بازی کند، کمک خواهدکرد. به بیان دیگر، بین تاثیرگذاری نقش‌های یک مکان و منطقه جغرافیایی با «میزان قدرت» آن رابطه‌ای وجود دارد. یعنی هرچه نقش‌ها دارای عملکرد وسیع‌تر و به عبارتی دوربردتری باشند، قدرت مکان جغرافیایی بیشتر می-شود. چرا که وسعت بیشتر میدان این عملکردها درجه بالاتر تاثیرگذاری آنها را با سایر مکانها و مناطق منعکس می‌کند. به عنوان مثال، «شهرهای جهانی» از جمله این مکان‌ها هستند که عملکرد بالایی به ویژه در عرصه اقتصادی و سیاسی دارند(Friedman, 1995: 22).

قدرت در سه سطح رابط میان ائتلافهای مسلط، منابع و منافع شهری است، که این سه سطح عبارتند از:

-قدرت فرماندهی: سرکوب یا تطمیع گروههای معارض و مخالف

-قدرت ائتلاف: سلطه بر سیاست و موقعیت های اجرایی برای تضمین روند جاری قرارداده و دیگر مزایا برای اعضای ائتلاف

-قدرت پیشگیری: سلطه بر منابع بخش خصوصی و در نتیجه تضمین حمایت آنان برای هرگونه توسعه(باندز، ۱۳۹۰: ۲۷۰).

به طور کلی، قدرت و چگونگی توزیع آن مهمترین عنصر در ایجاد رقابت و کشمکش محسوب می شود و بسیاری از منازعات و تلاش های بازیگران در سطوح فضایی گوناگون، از جمله در شهرها برای افزایش قدرت در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است.

۵-ژئوپلیتیک شهری: امروزه، دامنه ژئوپلیتیک با همپوشانی بخشهایی از مسائل سیاسی و روابط بین الملل، بخشی از بررسی مکانی شهرها را بر عهده می گیرد. حضور شهرها در فضای بین المللی نقش استراتژیک جدیدی برای شهرها؛ خصوصاً شهرهایی که به لحاظ سلسله بالاترین رتبه را دارند(شهرهای جهانی و جهان شهرها) ایجاد کرده است بنابراین، شهر به دلیل در بر گرفتن فضایی چند بعدی یکی از مکان های قابل بررسی در حوزه ژئوپلیتیک می باشد(زرقانی و اسکندران،۱۳۹۱:۱). قدرت ملی در یک تحلیل ژئوپلیتیکی، بازتابی از مجموع وزن مؤلفه های قدرت افزا در ساختار و قلمرو فضایی – مکانی یک کشور است و شهرها به ویژه شهرهای بزرگ و کلان شهرها، کانون های زیر سیستمی این سازمان فضایی – مکانی(کشور) را تشکیل می دهند. این تعامل ساختاری در نظام کشور – شهر نشان می دهد، هر گونه قدرت یابی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و حتی تاریخی شهرها اعم از پایتخت، کلان شهرها، شهرهای میانه و حتی شهرهای کوچک در مقیاس های محلی، به روشنی در ارتقاء قدرت و اقتدار ملی انعکاس خواهد یافت(صیامی و خلیلی،۱۶۲:۱۳۹۰). قدرت شهر، رقابت منطقه ای و جهانی، ارزش های محیطی شهر، کشمکش شهری، سیاست های مرتبط با توسعه شهر، تاریخ، فرهنگ شهری و عوامل بسیار دیگری شاکله «ژئوپلیتیک شهری» را تشکیل می دهند. مبدأ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

اصطلاح «ژئوپلیتیک شهری» در ادبیات سیاسی و ژئوپلیتیکی غرب، استفان گراهام [۱۱] است. او با تألیف کتاب معروف خود به نام« شهرها، جنگ و تروریسم به سوی یک ژئوپلیتیک شهری»، در سال۲۰۰۳، برای نخستین بار شهر و محلات شهری را در مرکز مطالعات ژئوپلیتیکی قرار داد. پس از طرح ایده ژئوپلیتیک شهری توسط گراهام، در همان سال با همکاری دانشگاه های«عمر بنگو» از کشور گابن، دانشگاه متز از کشور فرانسه و دانشگاه اتاوا از کشور کانادا به میزبانی فرانسه از اتحادیه اروپا، کنفرانس بین المللی ژئوپلیتیک شهری برگزار شد. محورهای راهبردی این کنفرانس، موضوعاتی چون خطرهای زندگی شهری، سازمان دادن مناطق شهری، کنترل فضاهای قابل سکونت، کشمکش ها و آشوب های شهری، رقابت های سیاسی در شهر و غیره بود(صیامی و قدیری،۱۳۹۰:۱۵۲-۱۵۱).

در واقع، ژئوپلیتیک شهری از سویی شامل مجموعه ای از رقابت ها، ایده ها و برداشت های مشترک از جناح های سیاسی، فرقه های مذهبی و یا کانون های دیگر اجتماعی است که گروه های اجتماعی را به جنب و جوش وا داشته و جهان بینی آنها را جهت داده و سامان می بخشد. از سوی دیگر مفهوم این بررسی نشان می دهد چگونه این برداشت ها، زمینه اتخاذ تصمیمات توسط شهروندان و وقوع رقابتها، تغییرات و تحولات و حتی گاهی اعتراضهایی را در محیط های شهری فراهم می کند و سپس با الهام گرفتن از وضعیت های ژئوپلیتیکی تغییر می یابد. از این رو نوعی ژئوپلیتیک در مقیاس شهری وجود دارد. (Purcell,13:2003). در نتیجه، ژئوپلیتیک شهری، به عنوان دانشی نوین؛ رهیافتی جدید از ژئوپلیتیک سنجش گرانۀ نوظهور است، که با مقیاسی متفاوت، رویکرد مطالعاتی به روابط« قدرت، رقابت و سیاست» میان کنش گران «فضای شهری» دارد و می کوشد برآیندهای مثبت(مانند مشارکت کارا، فراگیر، دموکراتیک و ...) و منفی(همچون: خشونت، آشوب، جنگ، تروریسم و ...) را در مناسبات شهری نشان دهد. در نتیجه، امروزه جهان‌شهرها به عنوان کانون های نوظهور قدرت، تجلی می‌یابند و به شدت بایکدیگر به رقابت می‌پردازند(Sassen:2006: 16).

نتایج

شهر؛ بازیگر ژئوپلیتیکی جهان امروز

-پدیده شهر و فرآیند ژئوپلیتیک: در سالهای اخیر، این موضوع به شکل عمومی مورد پذیرش قرار گرفته است که ژئوپلیتیک بایستی قلمرو تحلیل و مطالعات خود را به سطوح فروملی بویژه شهر، معطوف نماید (Painter, 1995: 56). «شهرها »به عنوان بازیگران اقتصاد جهانی و کانون های تحولات در سطوح محلی تا جهانی، همواره صحنه و هدف استراتژیک مهمی برای قدرت سیاسی بوده اند. به همین دلیل گردانندگان حکومت و دولت در سطح ملی و محلی ناگزیرند مؤلفه شهر و تحولات آن را در اداره قلمرو خود در نظر بگیرند. چراکه، شهرها از ساخت اجتماعی- سیاسی برخوردار بوده و به دست افراد و گروههایی ساخته می شوند که در جهت نسبت دادن ویژگیها و امتیازات خاصی به مکان زندگی تعصب می ورزند (احمدی پور و همکاران، ۱۰۲۶ :۱۲۰).

8- Stephen Graham

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

به تعبیر هاروی[۱۲]، شهرها واحدهای ژئوپلیتیک اند که خطوط اصلی قدرت و نفوذ اقتصادی را بازتاب می دهند(هاروی، ۱۳۸۷: ۲۳۸). در ژئوپلیتیک پست مدرن، به مطالعات خرد توجه جدی نشان داده می شود. از این رو، مطالعات مسائل ژئوپلیتیکی خرد درون شهر سازوکار حکومت و دولت محلی و مدیریت شهر را مورد توجه قرار می دهد. بنابر ماهیت متکثر، درهم تنیده و توپولوژیک نظم حیات شهری در سطوح عملکردی محلی تا جهانی و در اشکال و قلمروهای شهری، موضوعات و مسائل مختلفی توجه صاحب نظران ژئوپلیتیک را جلب کرده است(پورموسوی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۳).

به طور کلی، در خصوص رابطه میان ژئوپلیتیک و شهر و به طور ویژه در چارچوب ژئوپلیتیک شهری سه موضوع اصلی مورد توجه قرار می گیرند که عبارتند از شکل(۳):

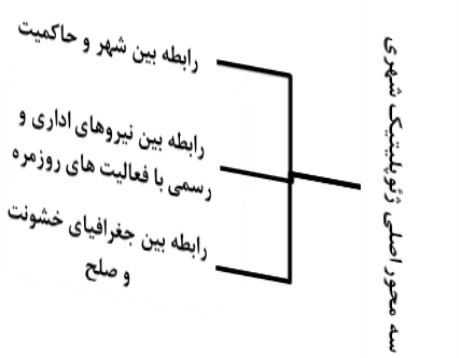

شکل(۳). سه محور اصلی ژئوپلیتیک شهری

جغرافیدانان سیاسی می‌توانند در هر یک از این روابط با تمرکز بر بسترهایی که به تبیین چارچوب ژئوپلیتیک شهری منجر می شود، مطالعاتی را سازماندهی کنند.

-اولین موضوع، تمرکز بر درک روابط پیچیده میان دولت و سایر نهادهای غیر دولتی است که در سالهای اخیر، بسیار در شهر قابل مشاهده است.

- تمرکز دوم جغرافیدانان و ژئوپلیتیسین ها بر زندگی روزمره، غیر رسمی و بدون برنامه ریزی است که ضمن معرفی پویایی و تحرک شهر، ساختار روابط مردم با نهادهای دولتی و اقبال عمومی آنها به سمت نهادهای غیر دولتی را مشخص می سازد.

-تمرکز سوم بر ژئوپلیتیک شهری، صلح و ظرفیت های آن به جای تمرکز انحصاری بر جنگ و درگیری است.

بنابراین، با توجه به اهمیت حضور «شهرها» در بازی های «ژئوپلیتیکی» جهان امروز و با توجه به نقش مهمی که در فرآیندهای کاهش و افزایش قدرت در سطوح فضایی ملی تا فراملی دارند، می توان پدیده شهر را از منظر ژئوپلیتیکی مورد مطالعه و بررسی قرار داد و صحنه های ژئوپلیتیک جهان امروز را با وجود یا عدم وجود بازیگران شهری تبیین و تحلیل کرد.

[12] -Harvey

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

-**قدرت و ژئوپلتیک شهری:** با توجه به اینکه، مفهوم قدرت در کانون مطالعات ژئوپلیتیک شهر قرار دارد، یکی از عناصر تاثیرگذاری سیاسی درفضای شهر، قدرت و الگوی پراکنش آن است. الگوی پراکنش قدرت در شهر تحت تاثیر روابط هسته های قدرت آفرین مانند دولت و نهادهای غیر دولتی است که در اشغال بخش مرکزی شهرها و درانحصار دولت و بازار است.

برگس[۱۳] معتقد است که شهرهای مدرن الگوی دوایر متحدالمرکز را پیدا می کند که هریک از این دوایر با توجه به توزیع قدرت در آن ها خصایص ویژه خود را داراست.

منطقه قدرت اول: منطقه تجاری مرکزی؛ این منطقه جایی است که قیمت زمین بسیار بالاست و فروشگاههای بزرگ، بناهای اداری، بانکها و مراکز فعالیت اقتصادی در آن واقع شده اند. علاوه بر این، این منطقه شامل خدمات رفاهی، تفریحی و فرهنگی نظیر هتلها، رستورانها، تئاترها، سینماها، موزه ها و از این قبیل می باشد. جمعیت زیادی روزانه به درون این منطقه وارد و از آن خارج می شوند. این هسته مرکزی، کانون اصلی و اولیه سکونتگاههای شهری است.

منطقه قدرت دوم : نزدیک هسته مرکزی؛ ساکنان کم کم به مهاجران تازه وارد به شهر و یا افراد کم درآمد تبدیل می شوند که به دنبال مسکن ارزان هستند. در این منطقه مکان هایی مانند مسافرخانه های گمنام و از این قبیل واقع شده اند. کج رفتاری در این منطقه بسیار رواج دارد

منطقه قدرت سوم: سکونتگاه‌های کارگران؛ شامل مسکن نسبتاً ارزان و کوچک است. بعضی کارخانه ها در این قسمت واقع شده است و ساکنان آن اغلب در کارخانه کار می کنند

منطقه قدرت چهارم:منطقه حومه ای؛ محلاتی هستند که در اطراف شهر واقع شده اند. در بعضی از موارد هم شهرک های حومه ای در اطراف دوایر به وجود می ایند (ممتاز، ۱۳۷۹: ۱۳۱).

بنابراین، قدرت در مطالعه ژئوپلیتیک شهری و در تبیین عوامل افزایش دهنده وزن ژئوپلیتیکی شهر -به عنوان بازیگر قدرتمند در سطوح فضایی مختلف با کارکردهای ویژه در ایجاد رقابت و رسیدن به توسعه و ایجاد دگرگونی‌های محیطی- نقش سازنده و کلیدی دارد.

-**رقابت‌های شهری، کلید ژئوپلیتیک شهر:** تغییر تدریجی ساختار دولت-ملت ها، کاهش محدودیت مرزها، توسعه دولت-شهرها، شکل گیری دیپلماسی شهرها، حاکمیت قوانین و نهادهای جهانی، زبان و شهروندان جهانی یا جهان وطنی، توسعه نظام رقابت ها و غیره در راستای تقسیم کار بین المللی، توسعه شبکه تولید، افزایش نقش خدمات تولیدی، کاهش هزینه های تولید، حذف موانع و ایجاد بازار، توسعه شبکه سلسله مراتبی تعاملات و تبادلات، افزایش مصرف و گردش آزاد سرمایه از مهم ترین ابعاد و زمینه های ایجاد رقابت های شهری بویژه بین جهان شهرها است. «شهر »، نیز به عنوان یک سازمان کلان اجتماعی، به هویت بخشی، ارزش آفرینی، برند سازی[۱۴] و بازاریابی ابعاد و پدیده های طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مصنوع خود می پردازد. شهرها تلاش می کنند در راستای رقابت پذیری، از نوعی شهرت یا آوازه برخوردار شوند

[13] -Bergess

[۱۴] -«برند» غالبا علامت یا نشان تجاری است که به منظور ارزش آفرینی و بازاریابی محصولات انحصاری موسسات یا بنگاههای تولیدی مورد استفاده قرار می گیرد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

که«برند شهری» نامیده می شود. برند گذاری به عنوان روشی برای ایجاد هویتی متمایز برای محصول براساس تمایز رقابتی از سایر محصولات ایجاد شده است. اشکال زندگی اجتماعی با فضا - مکان اشغال شده، رابطه ای تنگاتنگ دارد و توزیع مکانی جمعیت از ارتباط دائمی رقابت و اجتماع در چارچوبی مکانی شکل می گیرد(وبر، ۱۳۷۰: ۴۰-۳۸).

اتفاقات مصر، تونس و اوکراین با تمرکز بر استقرار در مکانهای مهم شهری نظیر میادین مرکزی، شهرهای مهم، کنترل خیابان های اصلی شهر و پارک های بزرگ نشان داد که ژئوپلیتیک شهری با تمرکز بر تبیین الگوی رقابت در شهر و کیفیت و چگونگی ساخت روابط قدرت با توجه به نقش بازیگران دولتی و غیر دولتی می تواند ابعاد جدید شهرنشینی و پویایی آن را مورد بررسی قرار دهد. بنابراین، رقابت های شهری در سه بعد می تواند اتفاق بیفتد:

۱-رقابت شهرهای کوچک برای افزایش وسعت و کارکرد

۲-رقابت شهرهای متوسط برای مرکزیت

۳-رقابت شهرهای میانی برای افزایش حوزه نفوذ

ریشه های فکری ژئوپلیتیک شهری بر محور رقابت، قدرت و نقش آفرینی عوامل پدیدآورنده قدرت در درون شهر، متکی است. در ژئوپلیتیک شهری عنصر قدرت شهر، نه تنها تجلی گاه رقابت در درون بافت داخلی شهر، همچون اصطکاک گروههای قومی و نژادی، قدرت اقتصادی نواحی مختلف پایگاه های اقتصادی، رقابتهای انتخاباتی و ... است و با مفاهیمی چون رقابتهای بین شهری در سطوح ناحیه ای، منطقه ای و ملی و حتی جهانی نیز سرو کار دارد. شهر مدرن مملو از تضاد برای بقا و بدست آوردن منافع کمیاب است. به عنوان مثال پارک[۱۵] معتقد بود که سازمان اجتماعی شهر ناشی از مبارزه و رقابت برای بدست آورند منابع کمیاب است(خلیل آبادی، ۱۳۹۰: ۸۰). پارک به دنبال آن بود که اهمیت فرایند رقابت در درون شهر برای بدست آورن منابع کمیاب را نشان دهد(Park,1915:557).

در نتیجه، شهر؛ به عنوان بازیگر مهمی در فضای ژئوپلیتیکی جهان امروز پا به عرصه رقابت های مثبت و منفی برای گسترش قدرت خود در سطوح فضایی ملی تا فراملی گذاشته است. رقابت در شهر می تواند موجبات کشمکش را فراهم آورد و در برخی موارد شرایط را برای پیشرفت و توسعه ایجاد می کند و همین عنصر رقابت است که شهر را از منظر ژئوپلیتیکی وارد مطالعات و بررسی های جغرافیایی - سیاسی می کند.

حوزه های رقابتی ایجادکنندهٔ ژئوپلیتیک شهری:

۱-حوزه سیاسی: شهر معاصر نمونه ای از ماهیت های فضایی/فضامندی های سیاسی – جغرافیایی رو به ظهور است که نسبت به داشتن اهمیت ژئوپلیتیکی تمایل کاملاً واضح و صریحی دارد (روسی و وانولو، ۱۳۹۵: ۲۱۷-۲۱۶). امروزه مطالعات سیاسی شهری، راه برطرف کردن پیچیدگی خط مشی‌های سیاسی شهری را توسعه سیاسی و حل مناقشات شهری می دانند و قدرت واقعی را به عرصه سیاسی نسبت می دهند. از جمله سکونتگاهها درصدد ارتقاء سطح سیاسی با هدف برخورداری بیشتر از امکانات و منابع می باشند و به ویژه این

[15] -Park

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

رقابتها بین مناطقی که از نظر ویژگی‌های زبانی، مذهبی، نژادی و... با یکدیگر متفاوت می باشند؛ بیشتر است. توسل به هویت و اجتماع از راه دفاع از ارتقاء سیاسی جایگاه یک مکان هنگامی معنا می یابد که مکانها در رقابت با یکدیگر قرار بگیرند. اثرپذیری فضای عمومی شهر از قدرت سیاسی از جمله بازنمایی های سیاست در فضای شهری می باشد(اشرفی و دیگران، ۱۰۶۰ :۴۰۶). تنش هایی بین فضاهای عمومی و خصوصی، غریبه و آشنا، من و دیگری، از مفاهیم مهمی هستند که در چارچوب مطالعات ژئوپلیتیک شهری قابلیت مطرح شدن دارند. مهم این است که این روابط اجتماعی از پویایی لازم برای شکل دادن به حوادث سیاسی برخوردارند. انتظام فضایی و جغرافیایی که به دلیل حوادثی مانند ۱۱سپتامبر، دچار تغییر شده اند، نقاط عطفی در تاریخ تحول زندگی سیاسی شهری قلمداد می شوند(Fregonese, 2012: 290-303). شهرها برای بقا و توسعه بنیهٔ سیاسی خود همواره در حال کشمکش هستند. در همین زمینه حکومت های محلی مجبور هستند، سیاست هایی را در پیش بگیرند که هدف از آنها، بیش از بازتوزیع ثروت، تقویت رقابت پذیری رشد می باشد. بنابراین، سیاستمداران و مدیران شهری، علی رغم جهت گیری سیاسی – ایدئولوژیکی، ملزم به پذیرش رویکرد حکومتی رشد محور هستند، چرا که استقلال حکومت های محلی تحت تاثیر محدودیتهایی است که از طرف جریان های رقابت پذیری بین شهری تحمیل می شوند. توسعه و پیشرفت همواره نیازمند توانایی و ظرفیت یک جامعه متشکل انسانی؛ برای انجام کنش جمعی هماهنگ می باشد که توسط قدرت سیاسی ایجاد می گردد؛ بنابراین، این کارکرد شامل استفاده از ضمانتهای اجباری و کاربرد زور و اقناع در یک واحد اجتماعی - فضایی از جمله شهر برای اجرای برنامه ها و سیاستهای خود در جهت بهینه سازی جامعه و فضای جغرافیایی می باشد. یکی از مهمترین کارویژه های قدرت سیاسی، انتخاب معیار مابین گزینه های مختلف مبتنی بر ایدئولوژی خود جهت تعیین تکلیف این موارد می باشد. سیستم‌های سیاسی، به هرحال «سیستم‌های فضایی»هستند. افراد و گروه-هایی که سیستم‌های سیاسی را ایجاد می‌کنند، همگی دارای موقعیت‌های جغرافیایی هستند که به یکدیگر و محیط مرتبط‌اند. این موقعیت‌های جغرافیایی در اولویت ها برای کالاهای عمومی، مناقشات تولید شده، سازوکار انتخاب شده، برای حل مناقشه و تخصیص کالاهای عمومی دارای اهمیت اساسی است. به سخن دیگر، «ورودی، خروجی و ساز وکارهای تخصیصی سیستم‌های سیاسی دارای تجلی مکانی آشکار هستند»(Cox & Reynolds, 1974: 29-31).

در نتیجه، اموری که مربوط به حوزه سیاست می شوند در ایجاد رقابت و احتمالاً کشمکش در شهرها بسیار دخیل هستند و موجبات درگیری در شهر را فراهم می آورند. مهمترین موضوع درگیری سیاسی در شهرها می تواند مطرح شدن با عنوان پایتخت کشور باشد. شهرهای مهم در هر کشور برای اینکه در زمینه‌های سیاسی حرف اول را بزنند، باهم به رقابت و منازعه می پردازند. ولی در اصل هر شهری که امکانات و شرایط بهتری داشته باشد در این رقابت پیروز می شود و شاید بتوان گفت: شهری که قدرت سیاسی بیشتری دارد پیروز میدان است.

۲-حوزه اقتصادی: از اواخر دهۀ ۱۹۷۰، رشد اقتصادی به عنوان منبع انباشت سرمایه و محرک سیاست توسعه شهری مورد مطالعه و بررسی جغرافیدانان سیاسی قرار گرفته و در واقع رقابت و کشمکش های حاصل

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

شده در این زمینه بین بازیگران شهری، مطالعات جغرافیایی سیاسی شهر و بویژه ژئوپلیتیک شهری بوده است. هاروی عنوان می کند، ضروررت رشد اقتصادی شهر، علایق رقابتی و مناقشات و مذاکرات مربوطه را در فضای عمومی شهر، برمی انگیزد. سیاستهای شهری به طور فزاینده ای حول محور هدف های اقتصادی گسترش یافته اند، مسئله ای که بعد از خودمختاریهای محلی در رشد اقتصاد محلی مطرح شده است(Defilippis, 1999: 973) .

کاکس معتقد است تمام تعاملات اجتماعی، تعاملات فضایی هستند و زندگی اجتماعی وابسته به ایجاد ساختارهای فضایی مناسب است(Cox, 1984: 34). کاکس نظریه« انتخاب عمومی[۱۶]» را پارادیم مهم و پر قدرتی برای مطالعه اقتصاد سیاسی محلی و تبیین تسهیلات و کالاهای عمومی می‌داند(Cox & Nartowicz, 1980: 196).

بر اساس نظر مانوئل کاستلز[۱۷] ، در «شهر سرمایه داری» سیستم اقتصادی حول ارتباط دیالکتیکی بین تولید، مصرف و مبادله، سازمان می یابد. این ارتباط توسط دستگاه دولتی از طریق حرکت دوپهلوی ادغام/سرکوب و سلطه/نظارت تنظیم می شود. کاستلز، معتقد است که مصرف از نظر کارکردی عنصری خاص برای قلمرو شهری محسوب می شود. بنابراین، تفسیر وی از پویایی بحران شهری به ارتباط متقابل بین عوامل زیر معطوف است:

- «دولت» به عنوان تضمین بخش فرایند سرمایه داری توسعه و بازتولید اجتماعی،
- «مصرف »به عنوان حوزه کشمکش و رقابت بین طبقاتی .

کاستلز، عنوان می کند که افول الگوهای مدیریت شهری در دورۀ پس از جنگ، از پیچیدگی های فزاینده محافظت از مکانیسم های اساسی ارائه خدمات شهری که به تدریج در حوزه های زیر بنایی، مثل مسکن، حمل و نقل و آموزش و سلامت عمومی شکل می گیرند، ناشی می شود (لشگری، ۱۳۹۳: ۱۰۱) و نهایتاً به بحران مالی حکومت های محلی؛ در شهرهای اصلی و نواحی متروپلیتین می انجامد(روسی و وانولو، ۱۳۹۵: ۱۶۵-۱۶۶). دیوید هاروی[۱۸] در تحلیل های خود بیشتر بر نقش امور مالی و بویژه اجاره زمین به عنوان محرک های رقابت و توسعه اقتصادی شهری و تحولات اجتماعی – فضایی تاکید می کند و تضادهای سرمایه داری شهری را به عنوان بحران انباشت سرمایه مورد تحلیل قرار می دهد. به اعتقاد وی شهر سرمایه داری به عنوان برایندی از سرمایه گذاری در محیط مصنوع رشد و توسعه می یابد؛ به عبارتی از آهنگ های انباشت سرمایه پیروی کرده و همزمان مقید به طول عمر فیزیکی و اقتصادی عناصر در درون محیط مصنوع است(Harvey, 1989: 14). به نظر مارکس شهر قلمروی است که در آن فرایندهای در هم تنیده انباشت سرمایه و ستیز طبقاتی متمرکز شدند و قلمرو شهری محیط مساعد و ضروری برای بروز آگاهی طبقاتی محسوب می شود. مارکس عامل تغییرات روی داده در شهر را سرمایه داری می داند(Marx&Engles,2001:87). از نظر وی فقط با

---

[۱۶] -نظریه انتخاب عمومی در دهه ۱۹۵۰ ارائه شد و در دهه ۱۹۸۰ رشد کرد. این نظریه به طور ساده مطالعه سیاست بر پایه اصول اقتصادی تعریف می شود و یک الگوی نظری میان رشته ای به مثابه تحلیل اقتصادی سیاست و مبنای تئوریک اقتصاد سیاسی مدرن است.

۱۷ -Manuel Castells

۱۸ -David Harvey

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

ظهور شهر است که انسان آزادی می یابد و می تواند به عنوان شهروند، صاحب نقش سیاسی شود. در واقع، ظهور شهر یعنی انتقال از توحش به تمدن(Macionis and Parrillo,2001:34). رقابت بین شهرها، با رشد شرکت های چندملیتی که به دلیل توجه به سرمایه گذاری های جدید، چشم اندازهای جغرافیایی بزرگ مقیاسی داشته اند، به اشکال مختلفی تشدید شده است. از جمله توسط حکومت های شهری که در تلاش برای جذب سرمایه گذاری داخلی، نقش فزاینده ای در ارتقاء بهبود و بازاریابی خود داشته اند. بنابراین، شهرها با پیدایش بخشهای مختلف اقتصاد نوین جهانی همچون خدمات مالی و تولید کننده؛ از طریق رقابت در جذب مؤسسات بین المللی جهت استقرار در شهرها و بالاخره از طریق رقابت بر سر صحنه های جهانی [۱۹]مثل رخدادهای ورزشی و نمایشگاههای تجاری که اثرات و نتایج اقتصادی نوید بخشی را به بار می آورند، به مثابه بازیگران ژئوپلیتیکی جهان امروز برای افزایش قدرت و ثروت به رقابت و کشمکش می پردازند(حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۷).

همچنین، در عرصه اقتصادی، گردشگری یکی از پویاترین مؤلفه های اقتصادی عصر حاضر در حوزه رقابت پذیری شهری است که نقش مهمی در توسعه پایدار ملی و محلی ایفا می کند(ابراهیم زاده و اقاسیزاده، ۱۳۸۸). امروزه به صراحت می توان گفت: گردش مالی صنعت گردشگری شهرهای جهانی در این سده از گردش مالی بخش صنعت فراتر خواهد رفت و در چندسال آینده دست کم به دو تریلیون دلار خواهد رسید(نوبخت، ۱۳۸۷: ۲) و گردشگری شهری باعث ایجاد الگوهای فضایی خاصی می شود که باعث ایجاد پیامدهای زیادی در زمینه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی می گردد. در بسیاری از کشورها سرمایه گذاری های زیادی به منظور جذب گردشگران به مراکز شهری انجام گرفته است. ولی بیشتر در کشورهای که حائز رتبه های برتر در جذب گردشگران هستند، اقداماتی در جهت بازاریابی گسترده گردشگران صورت گرفته است که از مهمترین اقدامات «برندگذاری شهرها» می باشد. برندگذاری شهری برای ارائه داشته ها و قابلیت های شهر می بایستی دو موضوع مرتبط و همگن را در نظر بگیرد که عبارتند از:

۱- انتشار و ترویج هویت شهرها به گردشگران

۲-افزایش ظرفیت و توان رقابتی شهر در جذب و ایجاد علاقه گردشگران به شهر (متقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۱۰).

۳-حوزه فرهنگی: ژئوپلیتیک شهری را می توان در حوزه رقابت های فرهنگی و احیاناً درگیری ها و منازعات شهرها بر سر فرهنگ و هویت پی گیری و بررسی کرد. برخی شهرها؛ با تسلط بر برخی کارکردهای ویژه و برتر فرهنگی، نقش فرماندهی و رهبری را در جهان امروز به خود اختصاص داده اند. بازیگران مهم دیگری در شهر وجود دارند، که وقتی علایق فرهنگی آنها مستقیماً درگیر کشمکش ها و اختلافات مداومی می شوند، خود را ملزم به مداخله در سیاست های شهری می بینند. این روند به وسیله مجریان فرهنگی، مثل رسانه های جمعی، مؤسسات آموزشی و فرهنگی و سایر ادارات و نهادهای دولتی و خصوصی فرهنگی پیگیری می شود. اینها افرادی هستند که فراخوان کنفرانس های بین المللی را بر عهده دارند، نمابرها و پست هایی الکترونیکی را ارسال و دریافت می نمایند، تصمیم گیری و سرمایه گذاری ها در طیف فراملیتی را انجام می دهند، اخبار

[19] -Global spectacles

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

جهانی را تنظیم می کنند، فرآورده های بین المللی را طراحی و بازاریابی می کنند و برای شغل و تفریح به سراسر جهان سفر می کنند. بنابراین، افزایش جریان های فرهنگی فراملی، شهرهای بزرگ را قادر ساخته تا الگوهای فرهنگی متنوعی را از سراسر جهان تجربه کنند، از نمونه های آن می توان به نمایشگاههای هنری، اجرای اپرا و مسابقات ورزشی اشاره نمود. برمان وراندینلی[20](۱۹۹۲)، استدلال می کند که جهانی شدن، شهرها را وادار می سازد تا فرهنگ های مخصوص به خود را به شیوه هایی که باعث جذب تجارت، سرمایه گذاری و تخصص های تکنولوژی پیشرفته می شوند، توسعه دهند(متقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۸). بنابراین، شهرها به مراکز فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده اند تا به وسیله سرمایه گذاری در زیر ساخت های مربوطه بر یکدیگر سبقت و پیشی بگیرند. بعضاً شهرهای بزرگ برای رسیدن به منابع و امکانات فرهنگی - هنری بیشتر سرمایه های کلانی خرج می کنند و به رقابت با یکدیگر می پردازند.

در اینجا می توان به شهر الکترونیکی نیز اشاره کرد.. شهر الکترونیکی دسترسی به دیگر فرهنگ ها را آسانتر کرده است. یکی از نتایج پیشرفت های تکنولوژیکی، توسعه یک فرهنگ جهانی و درعین حال توسعه چند فرهنگی در جهان است. این شهرها با داشتن شهروندان جهانی، یک بستر چند فرهنگی را تجربه می کند و شاید همین خصوصیت باعث رقایت و کنش شهرها با یکدیگر شده است تا فرهنگ و آرمان های خود را در این فضا گسترش دهند و یا از هدر رفتن و مخدوش شدن چهره فرهنگی خود جلوگیری کنند و از تجهیزات و ابزارهای مجازی گوناگون استفاده می کنند و فضای مجازی را به یک فضای کنش و واکنش تبدیل کرده اند. کلان شهر سازی جهان شهرها، موجب تسهیل فرایندهای جدید و تاثیرگذار بر ساختار هویت، اشکال جدید مفاهیم و جنبش های تازه می گردد. رسانه های فراملیتی در مگالوپولیس های جهان کانون بلامنازع اساطیر فرهنگ عامه هستند. با این حال در رقابت با اتوموبیل ها، دوربین ها و سیتم های صوتی ژاپنی، طراحی های ایتالیایی، مهندسی های آلمانی، نظریه پردازی های فرانسوی و نمایش های کمدی تلوزیونی انگلیسی در رقابت می باشند(جانستون و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۶۷). آشکارترین بخش از سهم فرهنگ و تنش فرهنگی جهان شهرها، از توده ها و اقلیت های تاثیرگذار نشأت می گیرد. ممکن است گروه‌های اقلیت در محله های خاصی محصور شوند و فرصت آنها برای پیشرفت کم شود؛ و توانایی آنها برای تاثیرگذاری بر فرهنگ و نگرش‌های غالب به میزان زیادی محدود گردد. ازاین رو، می‌توان گفت، «نژادپرستی» در شکل فضایی شهر و همچنین در خودآگاهی و رویه اجتماعی مردم بازتولید می‌شود(اسمیت، ۱۹۹۰: ۱۰-۱۱).

یکی دیگر از نکات قابل‌ملاحظه در تبیین پدیده شهر درچارچوب ژئوپلیتیک، «محلی شدن» است. محلی شدن، شامل جستجو برای کسب هویت محلی و ایجاد محله‌هایی با عنوان کانون‌های زندگی روزمره است. با وجود تضادهای ظاهری، محلی شدن در ارتباط تنگاتنگ با «جهانی شدن» است که اختلاف محلی را بوجود می‌آورد. به جای صرفا تمایز گذاشتن میان مناطق دنیا، امروز «مرکز» و «حاشیه» که از لحاظ جغرافیایی هردو در «شهرهای جهانی» واقع شده‌اند، تمایز میان «جامعه جهانی» و «محله‌های جدا از هم» را نشان می‌دهند. مرکز و حاشیه در کلان شهر؛ باهم مواجه می‌شوند و پیشینه تشدید برخوردهای شهری لندن، پاریس، لس‌انجلس، بانکوک، مانیل، ریودوژانیرو و مکزیکوسیتی را تشکیل می‌دهند. بنابراین، کلان‌شهر سازی بجای ارائه پیشنهاد

[20] -Berman Verandinelli

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

همگن‌سازی فرهنگی، به راه‌حلی متفاوت و قابل حصول متوسل می‌شود که توسط جهان‌شهرها اعمال می‌گردد. این راه‌حل در عوض همگرایی، زمینه‌ساز تنش و مخالفت می‌شود (جانستون، ۱۳۸۳: ۳۱۷).
در نتیجه، برخی از شهرها به ویژه پایتخت ها به دلیل نقشی که در تحولات ملی و گاه جهانی دارند در جهت گیری رویکردها و نگرش های فرهنگی از جایگاه کانونی برخوردارند. بنابراین، در نقش نمادها و اسطوره های شهری دارای وزن ژئوپلیتیک خاصی هستند و گهگاه رقابت ها و کشمکش هایی را به دنبال دارند. از این رو، شاهد پیوند بسیار نزدیکی میان جهانی شدن، توسعه شهری و تکامل سیاسی هستیم.

۴-حوزه زیست محیطی:پیش از کنفرانس سازمان ملل، در مورد محیط زیست و توسعه (UNCED) نیز در میان بازیگران کلان شهرها در مورد محوریت محیط زیست برای توسعه تردیی وجود نداشت. نگرانی در این مورد در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ آغاز گردید و توسط سازمان های بین المللی به مبحث مربوط به توسعه و محیط زیست راه یافت. شهرهای امروزی شاهد ایجاد اتحادیه ها و ائتلاف های« ضد – رشد»هستند که از طرف شهروندان و جنبش های اجتماعی طرفدار توسعه شهری پایدار زیست محیطی شکل می گیرند. به همین ترتیب، درک از سیاست شهری، به عنوان منازعه و مشاجره بین ائتلاف هایی طرفدار و یا مخالف رشد، پدیدار شده است. این موضوع را می توان به عنوان منبع الهام اکثر مطالعات ژئوپلیتیک شهری در نظر گرفت. ظهور ائتلاف های ضد - رشد، با محوریت مسائل زیست محیطی، شیوه هایی را نشان می دهد که در چارچوب آنها جنبش های شهری در دهۀ ۱۹۸۰، به استفاده از اکولوژی و پایداری در رأس شعارهای سیاسی خود روی آوردند. بنابراین، توسعه مطلوب زیست محیطی از طریق برنامه ریزی برای توسعه هماهنگ، برنامه ریزی معقولانه برای رفع کشمکش های موجود، کمک ها خصوصاً پول نقد برای پرداخت هزینه های مربوط به حفاظت از محیط زیست و ارائه قیمت های معقول برای امر صادرات محقق گردید(جانستون، ۱۳۸۳: ۵۴۸). لذا، حوزه زیست محیطی شهر، موجبات تنش و ناآرامی های کوچک تا کلانی را پدید می آورد؛ هم در سطح فضایی درون شهری بین نقاط مختلف یک شهر و هم در سطح ملی بین شهرهای گوناگون یک کشور و هم در سطح فراملی و جهانی بین شهرهای مختلف و حتی ابرشهرها و کلان شهرهای جهانی. رقابت جهان شهرها بر سر دسترسی به محیط زیست مطلوب و منابع زیستی مثل نفت بیشتر از این جمله است. محیط زیست و منابع زیست محیطی اولین عنصر برای زیست شهری و رشد و توسعه در زمینه های مختلف می باشد. تا محیط زیست و عناصر زیستی وجود نداشته باشد، شهر به پیشرفت و توسعه نمی رسد. بنابراین، شهرها برای رسیدن به گسترش و شرایط بهینه زندگی و افزایش رفاه شهروندان مجبور به رقابت و افزایش منابع بهینه زیستی و ایجاد یک محیط زیست مطلوب برای شهروندان هستند . البته اگر رقابت در جهت مثبت باشد نه تنها آسیب وارد نمی کند، بلکه موجبات پیشرفت از جهات گوناگون را فراهم می سازد. تداوم وضعیت تخریب کالبد فیزیکی بناها به همراه تنزل شرایط زیست محیطی به حرکت گروههای توانمند از این محله ها به سایر قسمت های شهر و هجوم و اشغال آن به وسیله گروههای کم درآمد و کارگر منجرمی شود که نتیجه آن تسریع فرآیند رکود و تنزل است(رهنما، ۱۳۷۵: ۸۱).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

نتیجه گیری

در این تحقیق، به تشریح و تبیین نقش ژئوپلیتیکی شهر، به عنوان یک پدیدهٔ چندبعدی با تأکید بر عناصر محوری «فضا»، «قدرت »و «رقابت» در حوزه های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی پرداخته شد. نتایج تحقیق نشان می دهد، با توجه به اهمیت حضور «شهرها» در بازی های «ژئوپلیتیکی» جهان امروز و با توجه به نقش مهمی که در فرآیندهای کاهش و افزایش قدرت در سطوح فضایی ملی تا فراملی دارند، می توان پدیده شهر را از منظر ژئوپلیتیکی مورد مطالعه و بررسی قرار داد و صحنه های ژئوپلیتیک جهان امروز را با وجود یا عدم وجود بازیگران شهری تبیین و تحلیلی کرد. بنابراین، نوعی «ژئوپلیتیک» در« مقیاس شهری»، شهرها را به بازیگران مهمی در سلسله مراتب فضایی تبدیل کرده است.

با توجه به اینکه، مفهوم قدرت در کانون مطالعات ژئوپلیتیک شهر قرار دارد، یکی از عناصر تأثیرگذاری سیاسی درفضای شهر، قدرت و الگوی پراکنش آن است. الگوی پراکنش قدرت در شهر تحت تأثیر روابط هسته های قدرت آفرین مانند دولت و نهادهای غیر دولتی است که در اشغال بخش مرکزی شهرها و درانحصار دولت و بازار است.

شهر، به عنوان بازیگر مهمی در فضای ژئوپلیتیکی جهان امروز پا به عرصه رقابت های مثبت و منفی برای گسترش قدرت خود در سطوح فضایی ملی تا فراملی گذاشته است. رقابت در شهر می تواند موجبات کشمکش را فراهم آورد و در برخی موارد شرایط را برای پیشرفت و توسعه ایجاد می کند و همین عنصر رقابت است که شهر را از منظر ژئوپلیتیکی وارد مطالعات و بررسی های جغرافیایی - سیاسی می کند.

به طور کلی، از آنجا که شهرها، به عنوان یکی از بخش های مهم و حاضر در سیاست جهانی امروزی قابل توجه اند، بررسی ویژگی های مکانی و سیاسی این مناطق، به عنوان بازیگران جدید عرصه راه جدیدی را در حوزه ژئوپلیتیک گشوده است. دامنه ژئوپلیتیک با هم پوشانی بخشهایی از مسائل سیاسی و روابط بین الملل، بخشی از بررسی مکانی شهرها را بر عهده می گیرد و دانش نوین ژئوپلیتیک شهری پا به عرصه علوم بنیادی و نظری می گذارد که دارای اهمیت ویژه برای مسئولان شهری و جغرایدانان بویژه جغرافیدانان سیاسی است. به طور کلی سه ویژگی اساسی ژئوپلیتیک شهری را می توان در شکل(۴)، مشاهده کرد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

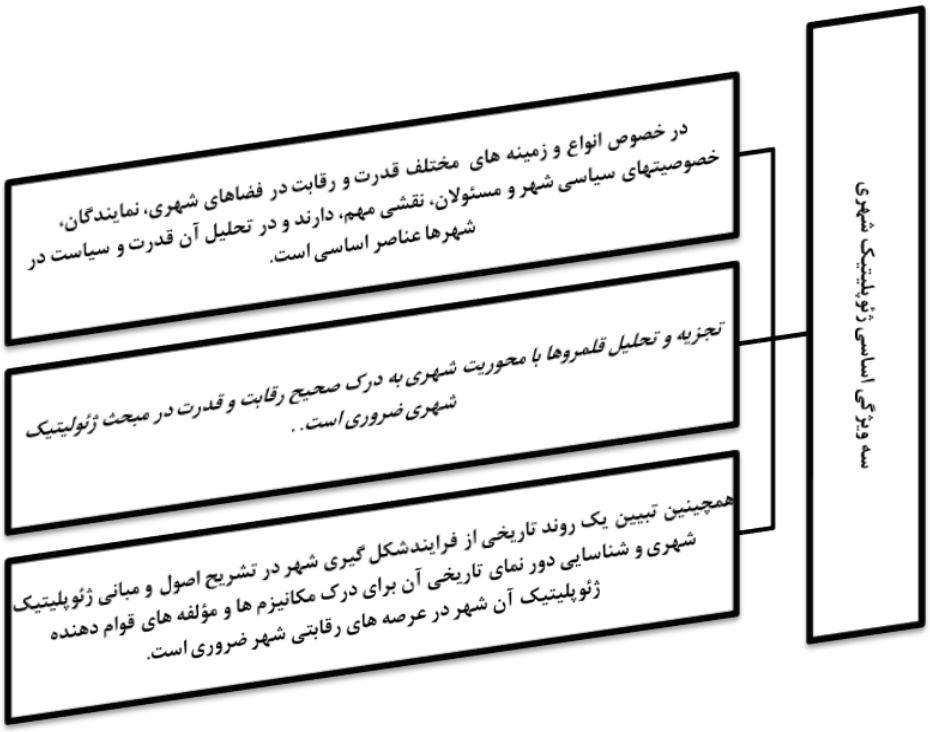

شکل(۴). سه ویژگی اساسی ژئوپلیتیک شهری

منابع

اتوتایل، ژئاروید. (۱۳۸۰). **اندیشه های ژئوپلیتیک در قرن بیستم**، ترجمه محمدرضا حافظ نیا و هاشم نصیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

احمدی پور، زهرا، قورچی، مرتضی، قادری، حجت، (۱۳۹۱). **تبیین جایگاه دیپلماسی شهری در توسعه حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی**، مجله جغرافیا و توسعه شهری، ۱: ۱۵۷-۱۸۲.

احمدی پور، زهرا،قنبری، قاسم، کرمی، قاسم .(۱۳۸۹)، **سازماندهی سیاسی فضا**، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

اشرفی، یوسف، پوراحمد، احمد، رهنمایی،محمدتقی، رفیعیان، مجتب. (۱۳۹۳). **مفهوم سازی و گونه فضاهای عمومی شهری معاصر**، فصلنامه پژوهشهای برنامه ریزی شهری، **۲(۴)**: ۴۶۴-۴۳۵.

باندز، مایکل(۱۳۹۰). **نظریه اجتماعی شهری**، ترجمه رحمت الله صدیق، تهران: دانشگاه تهران.

پوراحمد، احمد(۱۳۸۰). **آمایش سرزمین و ایجاد تعادل در نظام شهری کشور**، مجله علوم انسانی دانشگاه تهران، ۳۶: ۴۷۹-۴۹۰.

پورموسوی، سید موسی، قورچی، مرتضی، رستمی، قهرمان(۱۳۹۰). **تبیین ژئوپلیتیکی کلان شهرهای جهانی**، فصلنامه ژئوپلیتیک، **۷(۱)**: ۴۱-۶۹.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

جانستون، ار.جی، تیلور ، پیتر و واتس، مایکل(۱۳۸۳). **جغرافیاهای تحول جهانی**، مترجم، نسرین نوریان، تهران: دوره عالی جنگ.

جونز، مارتین، جونز، رایس، وودز مایکل(۱۳۸۶). **مقدمه ای بر جغرافیای سیاسی**، ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری، انتشارات دانشگاه تهران.

حافظ نیا، محمدرضا(۱۳۸۵). **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، مشهد: انتشارات پاپلی

خداداد کاشی، فرهاد. (۱۳۸۸). **نظریه رقابت و تطبیق آن با وضعیت رقابت در بخش صنعت ایران**، تهران: فصلنامه پژوهش ها و سیاستهای اقتصادی، **۱۷(۵۱)**: ۲۵-۴۰.

خلیل آبادی، حسن(۱۳۹۰). **ژئوپلیتیک شهری**، تهران: نشر پژوهشی نوآوران شری.

ربانی، رسول(۱۳۸۵). **جامعه شناسی شهری**، چاپ دوم، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

ربانی، رسول(۱۳۸۷). **جامعه شناسی شهری**، تهران: سمت.

رحمان سرشت، حسین و صفاییان، میترا(۱۳۹۰). **مدل رقابت پذیری صنایع تولیدی در ایران**، تهران: فصلنامه مطالعات صنعتی، **۹(۲۲)**: ۷۵-۱۰۴.

روسی، یوگو و وانولو، آربرتو(۱۳۹۵). **جغرافیاهای سیاسی شهر**، ترجمه علی ولیقلی زاده و مهدی کریمی، انتشارات دانشگاه مراغه.

رهنما، محمدرحیم(۱۳۷۵). **معرفی و ارزیابی تئوری ااصالت بخشی در فرایند احیای بافت های قدیم شهری**، فصلنامه تحقیقلات جغرافیایی، مشهد: امبیرکبیر

صیامی، قدیر و خلیل آبادی، حسن(۱۳۹۰). **ژئوپلیتیک شهری رویکردی نوین در تحلیل‌های ژئوپلیتیک ایران**، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ، **۹(۱۶)**: ۱۴۵-۱۶۹.

عزتی، عزت الله(۱۳۷۷).**ژئوپلیتیک**، چاپ اول، تهران: سمت.

عزتی، عزت الله(۱۳۸۰). **ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم**، تهران: سمت.

فرید، یدالله(۱۳۶۸).**جغرافیا و شهرشناسی**، چاپ اول، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.

کاویانی راد، مراد(۱۳۸۹). **منطقه گرایی از منظر جغرافیای سیاسی**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کمانرودی، موسی و تاج‌الدین کرمی و عطاءاله عبدی. (۱۳۸۹). **تبیین فلسفی – مفهومی جغرافیای سیاسی شهر**، فصلنامه ژئوپلیتیک، **۶(۳)**: ۹-۴۴.

لاکوست، ایو، ژیبلن، بئتریس(۱۳۷۸). **عوامل و اندیشه ها در ژئوپلیتیک**، ترجمه علی فراستی، تهران: آمن.

لشگری، احسان (۱۳۹۴). **سیاست و شهر**، تهران: نشر انتخاب.

متقی افشین، سعید ناجی و حسن حسینی امینی. (۱۳۹۵)، **ژئوپلیتیک شهری با تاکید بر پدافند غیرعامل**، تهران: نشر انتخاب.

مجتهدزاده، پیروز(۱۳۹۲). **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**، سمت.

مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۱). **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**، چاپ اول، سمت.

ممتاز، فریده(۱۳۷۹). **جامعه شناسی شهری**، تهران: شرکت سهامی انتشار.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]

[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

مویر، ریچارد، ۱۳۷۹، **دیدگاه‌های نو در جغرافیای سیاسی**، ترجمهٔ دره میرحیدر، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.

میرحیدر، دره و میراحمدی، فاطمه سادات. (۱۳۹۷). **سیر اندیشه در جغرافیای سیاسی سنتی و مدرن**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

میرحیدر، دره. (۱۳۷۷). ژئوپلیتییکف ارائه تعریفی جدید، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، **۵۱**: ۳-۱۳.

نظریان، علی اصغر(۱۳۷۹). **جغرافیای شهری ایران**، تهران: انتشازت پیام نور، چاپ اول.

وبر، مارکس(۱۳۷۰). **شهر در گذر زمان**، ترجمه شیوا کاویانی، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.

هاروی، دیوید(۱۳۸۷)، **شهری شدن سرمایه**، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران: نشر اختران.

Berman, M.(1996**). Falling towers: City life after urbicide**, in D.Crow (ed.) Geography and identity . Washington.DC: Maisonneuve press, 172-92.

Cox,K.R. & Reynolds,D.(1974), **Locational approaches to power and conflict**. In K.R. Cox, D.R. Reynolds & S. Rokkan (Eds), **Locational Approaches to power and conflict.** New York, John Wiley & Son.

Cox,K.R. & Nartowicz, F.(1980), **Jurisdictional fragmentation in the American metropolis: alternative perspectives** . International journal of urban and Regional Resaerch, **4(2),** 196-211.

Defilippis, J., (1999). **Alternatives to the New Urban politics: Finding locality and autonomy in local economic development**, political Geography. **18(8),** 973-990.

Harvey, D. (1989). **From managerialism to entrepreneurialism: the transformation in urban governance in late capitalism**, Geografiska Annaler B: Human Geography, 71(1): 3-17.

Macionis, J.J, And V.N. Parrilllo(2001), **Cities and Urban Life**, New York : Prentice Hall.

Mitchell, D. (1995), **the end of public space? People's park, definition of public and democracy**, Annals of the Association of American Geographers, 85(1): 236-248.

Marx, K, And Engles , F, (2001), **The Communist Manifesto** , London: Electeronic Book co.

Purcell, Mark(2003), **Citizenship and the Right to the Global City: Rimagining the Capitalist Woorld Order**, Volume 27.3 September 2003 564 – 90 International Journal of Urban and Regional Research.

Purcell, Mark(2003), **Citizenship and the Right to the Global City: Rimagining the Capitalist Woorld Order**, Volume 27.3 September 2003 564 – 90 International Journal of Urban and Regional Research.

Painter, J.(1995). **Politics, Geography and political Geography**. A Critical perspective. London: Arnold.

Park, R. E(1915), **The City : Suggestions for the Investigation on Human Behavior in the City** , American Tournal of Sociology , **20**, 557- 612

Fregonese, S.(2012). **Urban geopolitics 8 yaers on: Hybrid sovereignties, the everyday, and geographies of peace**, Geoography Compass, **6(5),** 290-303

Stoker,G.(1996). Regime Theory and Urban politics, in Legates, R.T. & Stout, F., The city Reader, Routledge, London, pp268-281

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]

Sassen, Saskia, (2006), **Cities in a World Economy**; pine Forge press an Imprint of sage puplications.
Smith, P., Timberlake, F. (1977), **Urban political, economy**, Third edition, New York, mc grew hill.
Friedman, J. (1995), **where we stand: A decade of world city resarch**, in P.L.Knox and P.J.
Shurchuluu, p. (2002), **National productivity and competitive sterategies for the new millennium**, integrated manufacturing systems 13/6. 408-414.
Tuathail, G. and Dalby, S. Rutledge, p., (2003). **The geopolitics Reader**, published in the Taylor& Francis e-Library.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.57.7.0]
[DOI: 10.29252/jgs.20.57.91]